

نام خلیج فارس در اسناد و نوشته های جغرافیدانان مسلمان

ارائه به همایش یکسان سازی نامهای جغرافیایی - آبان ۱۳۸۴

تدوین کنندگان:

۱- مهندس محمد علی رجائی، مدرس گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری

۲- دکتر اسماعیل نصیری عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری

مقدمه :

نام خلیج فارس ریشه در ژرفای تاریخ و تمدن بشر دارد و تمدن بشر، از آغاز تا سال ۱۹۵۸، نام دیگری بر این دریا نداشت. برای ملت ایران نام خلیج فارس از جمله اسامی جغرافیایی است که با آن زندگی کرده و به عنوان یک تقویت کننده برای روح و روان کشورشان محسوب میشود. به همین منظور و برای رسیدن به این هدف همیشه برای مستحکم کردن بنیادها و نهادها و پیوندهای میهنی شان همیشه به تقویت مطالعات جغرافیای تاریخی پرداخته تا حقایق همیشه پایدار بماند. در این مقاله سعی می شود تجزیه و تحلیل از وجود تباین حدود جغرافیایی بحر فارس یا خلیج فارس در تغییرات جغرافیانویس مسلمان، مورد بررسی قرارگیرد: زیرا آثار جغرافیای - تاریخی عرب زبان بیش از آثار موجود در هر زمانی در مورد خلیج فارس با صداقت و صداقت گفتگو میشود و این خود می تواند برای نسل کنجکاو - امروز قانع کننده باشد که تبلیغات و تحریکات دولت های عرب زبان امروزی طبل توخالی بیش نیست.

تحقیقات کمی و کیفی

اگر چه ایرانیان نیاز به دلیل فارسی بودن نام خلیج فارس نیازی به مطالعه و بررسی و تحقیق در مورد شکل گیری نام خلیج فارس نداشته و ندارند ولی با این حال با انتشار چند اثر علمی بصورت مکتوب، نقشه اطلس و اسناد و به زبان های مختلف از نظر کمی و کیفی از یک طرف کار مقابله با تغییردهندگان نام خلیج فارس را آسان تر کرده و از طرف دیگر نسل های امروزی را با کیفیات

شکل‌یابی ویژگی‌ها و اسامی جغرافیایی به ویژه خلیج فارس آشنا می‌سازد. از اطلس‌ها و نقشه‌هایی که توسط مرحوم سحاب در مؤسسه جغرافیای سحاب در چند زبان منتشر شده تا کتاب‌هایی که توسط دانشمندان و جغرافیدانان بنام در مؤسسات مرتبط نوشته و چاپ شده، همه و همه، از لحاظ کمی و کیفی گویا تنها نام این دریای همیشه ایرانی بوده است. اهمیت بررسی این مطالب در همایش‌ها و یا چاپ این کتابها و اسناد، بیشتر از این جهت است که کیفیت اینگونه فرضیات در تکوین مشخصات و خصوصیات جغرافیایی این منطقه سخت موثر بوده و آن را استحکام می‌بخشد.

چکیده:

از روزی که بشر تاریخ نویسی را آغاز کرد، دریای جداکننده فلات ایران از شبه جزیره عربستان را «دریای فارس» یا «خلیج فارس» نامیده است. این نام در گذر روزگاران به همین گونه باقی مانده و تردیدی از چگونگی آن در هیچ زمانی و در هیچ مکانی پدیدار نیامده است، برخی اعراب، در هیچ زمانی تاکنون در این مورد به بیراهه نرفته و خلاف نگفته است. در مهم‌ترین اسناد رسمی و غیر رسمی و در اطلس‌های معتبر جهان عرب، نام این پهنه بزرگ آبی، عربی بعد از میلاد مانند استخری، مسعودی، بیرونی، ابن حوقل، مقدسی، مستوفی، ابن رسته، ابن خردادبه، یاقوت حموی، دیگران و چند دایره‌المعارف مهم عربی با نقشه‌های متعدد از این دریا به نام «دریای پارس» یاد کرده‌اند. سومین همایش نام‌های جغرافیایی انگیزه و تهیه این مقاله را موجب گردید. امید است واقعیت و حقوق اصلی ایران در مورد این نام مشخص گردد.

با ظهور دین مبین اسلام و برقراری خلافت اسلامی، خلیج فارس آبراهه‌ای برای گسترش آیین جدید بوده است. در واقع گسترش دین اسلام به مشرق زمین از طریق دریایی و به وسیله کشتی‌های تجاری و تبلیغی صورت می‌گرفت که از خلیج فارس عازم نیمکره شرقی شامل شبه قاره هند، مجمع‌الجزایر اندونزی و حتی فیلیپین می‌شدند. در این مدت، بعضی از زمان حاکمیت خلافت اسلامی که باعث حرکت تدریجی اعراب بادیه نشین به سمت سواحل جنوبی خلیج فارس می‌گردد،

تا بازگشت مجدد حاکمیت ایران بر دریای جنوبی‌اش متعاقب بیرون راندن تدریجی اعراب و برقراری حاکمیت مجدد امرای ایرانی، همواره نام خلیج فارس در کتاب‌ها و اسناد فارسی، ترکی و عربی استفاده می‌شده است.

در آثار اسلامی و عربی به جای مانده از این دوره همواره از واژگانی نظیر «الخليج الفارسی» و «البحر الفارسی» استفاده شده است. در خلیج یک از کتاب‌های تاریخی معتبر مسلمانان منطقه به جز واژه فارس، پسوند دیگری برای خلیج فارس در نظر گرفته نشده است و هیچ عالم فاضل دانشمندی در کتب خود واقعیت را قربانی سیاست نکرده است. مردمان ساکن این منطقه از هر قوم و نژادی که بودند به چگونگی شکل‌گیری نام فارس و دلیل نامگذاری خلیج جنوبی ایران به خلیج فارس آگاه بودند و در کاربرد آن متفق القول بوده و هستند.

بعضی از جغرافی‌نویسان قدیم اسلام مفهوم «بحر فارس» را خیلی وسیع‌تر گرفته و آن را به تمام دریای جنوب ایران اعم از بحر عمان و خلیج فارس و حتی اقیانوس هند طلاق کرده‌اند و ما تا آنجا که دسترس داشتیم، اهم آن منابع را فراهم آورده، در اینجا ذکر می‌کنیم.

ابوبکر احمد بن محمد بن اسحاق بن ابراهیم الهمدانی معروف به «ابن الفقیه» که کتاب جغرافیای او تحت عنوان «مختصر کتاب البلدان» به دست ما رسیده و در ۲۷۹ هـ- تألیف شده است، می‌نویسد:

«و اعلم ان بحر فارس و الهند هما بحر واحد لاتصال احد هما بالآخر^۱ یعنی: «بدان که دریای پارس و هند از برای پیوستگی به یکدیگر هر دو یک دریا هستند» ابن فقیه منظور از دو دریایی که در آیات شریفه ۱۹ و ۲۰ سوره مبارکه الرحمن قرآن نوشته، دریای فارس و روم معرفی می‌کند که بعدها توسط «النویری» نیز مورد تأیید قرار گرفت.

ابوعلی احمد بن عمر بن رسته که کتاب «تقویم البلدان» خود را به نام «الاعلاق النفسیه» در ۲۹۰ هـ - در اصفهان تألیف کرده است، می‌نویسد: «فاما البحر الهندی. یخرج منه خلیج الی ناحیه فارس

^۱ مختصر کتاب البلدان، به احتمال دی خویه، طبع لیدن، سال ۱۸۸۵ م، ص ۸

يسمى الخليج الفارسی ... و بين هذين الخليجين (یعنی خليج احمر و خليج فارس) ارض الحجاز و اليمن و ساير بلادالعرب ^۱ یعنی : اما دریای هند از آن خلیجی به سوی ناحیت پارس بیرون آید که خلیج پارس نام دارد و بین این دو خلیج یعنی خلیج احمر و پارس سرزمین حجاز و یمن و دیگر بلاد عرب واقع است .

جغرافی دان ایرانی به نام سهراب که در قرن سوم هجری می زیست ، در کتاب خود ، عجائب الاقلیم السبعه الی نهاییه العماره می نویسد : « بحر فارس وهو البحر الجنوبي الكبير » یعنی دریای پارس دریای بزرگی است در جنوب ^۲ .

ابوالقاسم عبید الله بن عبدالله بن احمد بن خردادبه خراسانی در گذشته در ۳۰۰ هـ - در کتاب معروف خود «المسالک و الممالک» درباره رودهایی که به خلیج فارس می ریزد ، چنین می نویسد : « و فرقه (من النهار) تمرالی البصره و فرقه اخرى تمرالی ناحیه المذار ثم یصب الجميع الی بحر فارس ^۳ . » یعنی : گروهی از این رودها به سوی بصره و گروهی به سوی مذار^۴ روانند سپس همه آنها به دریای پارس می ریزند . همچنین او در همین کتاب (۲۵۰ هـ - ق) نوشته است « دریای فارس که دریای بزرگی است به هنگام طلوع ماه دارای « جزر و مد » نمی باشد مگر دوبار در سال .»

بزرگ بن شهریار الناخته هرمزی (ناو خدای رامهرمزی) در کتاب « عجائب الهند و بره و بحر و جزایره » که آن را در حدود ۳۴۲ هـ - تالیف کرده ، می نویسد: « ومن عجایب امربحرفارس ما یراه الناس فیہ بالیل فان الامواج اذا اضطربت وتکسرت بعضها علی بعضها علی بعض انقدح منه النار فیخیل الی راکب البحرانه یسیرفی بحر نار ^۵ » یعنی : از شگفتی های دریای پارس چیزی است که مردمان به شب هنگام بینند در

۱- الاعلاق النفسیه ، ج ۷ ، باهتمام دی خویه ، طبع لیدن ، ۱۸۹۱ ، ص ۸۴

۲- عجایب الاقلیم السبعه الی نهاییه العماره ، طبع وین ، ۱۹۲۹ م . ص ۵۹

۳- المسالک و الممالک ، طبع لیدن ، باهتمام استاد دی خویه ، ۱۸۸۹ م ، ص ۲۳۳ .

۴- مذار به فتح میم شهری ما بین واسط و بصره است

۵- عجایب الهند باهتمام و اندرلی و ماسل دیویس ، طبع لیدن ، ۱۸۸۶ میلادی ، ص ۴۱ .

آنگاه چون موجها بر هم خوردند و بر یکدیگر شکسته شود ، از آنها آتش بر جهد و آن که بر کشتی سوار است ، پندارد که به دریایی از آتش روان باشد .

ابواسحاق ابراهیم بن محمد الفارسی الصطخری از مردم استخر فارس معروف به الکرخی درگذشته در ۳۴۶ هـ - در کتاب «مسلك الممالک» خود که براساس کتاب صور الاقالیم ابوزید بلخی است ، می نویسد : « بحر فارس فانه یشتمل علی اکثر حدودها و یتصل بديار العبرب منه و بسائر بلدان الاسلام و نصوره ثم نذکر جوامع مما یشتمل علیه هذا البحر و نبتدی بالقلم علی ساحله ممالیل المشرق فانه ینتهی الی ایله ثم یتوف بحدود دیار العرب الی عبادان ثم یقطع عرض دجله و ینتهی علی الساحل الی مهربان ثم الی جنابا ثم الی سیراف ثم یمتد الی سواحل هرمز و راء کرمان الی الدبیل و ساحل الملتان و هو ساحل السند.» و در کتاب دیگر خود «کتاب الاقالیم» می نویسد : « لا عظم بحر فارس و هو خلیج من البحر المحیط من حد الصين حتی بحری علی حدود بلدان الهند و السند و کرمان الی فارس و ینسب هذا البحر من بین سائر الممالک الی فارس لانه لیس علیه مملکه اعم منها ^۱ یعنی : دریای پارس که مشتمل بر بیشتر حدود آن است و به دیار عرب و دیگر بلاد اسلام پیوندد ، ما آن را تصویر کرده ، جمیع حدود آن را یاد کنیم و آغاز به دریای قلمز نماییم که از ساحل آن در مشرق تا به ایله ^۲ منتهی می شود ، سپس به حدود دیار عرب تا آبادان بگردد و عرض دجله را بریده به ساحل مهربان ^۳ و از آنجا به گناوه ^۴ و از آنجا به سیراف ^۵ منتهی گردد و سپس تا به سواحل هرمز و آن ور کرمان تا دبیل ^۶ و مولتان ^۷ که ساحل هند است امتداد می یابد .

۱- کتاب الاقالیم ، طبع اروپا ، ص ۶۱.

۲- ایله ، شهری بر شامل دریای احمر بوده است.

۳- مهربان ، شهری بوده است به ساحل فارس بین آبادان و سیراف

۴- جنابه یا جنابا ، شهری کوچکی بر ساحل فارس و آن همان بندر گناوه از بلوک دشتان و از توابع بوشهر است.

۵- سیراف ، نام شهری بود در کنار دریای فارس در جانب جنوبی شیراز به مسافت ۶۸ فرسنگ و سالهاست خراب گشته و جز یک محله از آن باقی نمانده که آن را بندر طاهری گویند و اکنون از توابع کنگان است و درآیند شهر جدید سیراف به جای آن ساخته خواهد شد.

۶- شهری ما بین یمامه و یمن

۷- شهری از ایالت پنجاب

مورخ مشهور ابوالحسن علی بن الحسین بن علی مسعودی درگذشته در ۳۴۶ هـ در کتاب «مروج الذهب معادن الجوهر» می نویسد: « و يتشعب من هذا البحر (ای البحر الهندی او الحبشی) خلیج آخر و هو بحر فارس و ينتهی الی بلاد ابله و الخشبات و عبادان ... و هذا الخلیج المثلث الشكل^۱ » یعنی: از این دریا که دریای هند یا حبشی باشد، خلیجی دیگر منشعب شود که دریای پارس است و آن منتهی به شهر های ابله^۲ و خشبات و آبادان می شود ... و این خلیج مثلثی شکل است .

مسعودی در کتاب دیگر خود «التنبیه و الاشراف» که آن را در سال ۳۴۵ هـ به پایان رسانیده است، می نویسد: « و قد حد كثير من الناس السواد و هو العراق فقالوا حده من جهة المشرق لاجزيره المتصله بالبحر الفارسی المعروفه بمیان رودان من کره بهمن اردشیر و راء البصره ممایلی البحر^۳ » یعنی: بسیاری از کسانی که حود سواد یعنی عراق را تعیین کرده اند گفته اند که: حد آن از سوی مشرق جزیره ای است که به دریای پارسی پیوسته و به میان رودان^۴ معروف است و از ناحیه بهمن اردشیر^۵ پشت بصره نزدیک دریاست .

الطاهر بن المطهر المقدس در کتاب تاریخ خود به نام «البدء و التاريخ» که آن را در ۳۵۵ هجری تألیف کرده درباره رودهایی که به خلیج فارس می ریزد می نویسد: « و تجتمع هذه النهار كلها فی دجله و یمر دجله بالا بله الی عبادان فیصب فی الخلیج فارسی^۶ » یعنی: همه این رودها در دجله فراهم آیند و دجله از ابله به آبادان بگذرد و در خلیج پارسی ریزد .

۱- مروج المذهب، طبع پاریس، دومینار، ۱۸۶۱، جلد ۱، ص ۲۳۸

۲- شهری بود بر کنار شط العرب در زاویه خلیجی که در آن بصره واقع است .

۳- التنبیه و الاشراف، طبع بغداد، ۱۹۳۸، ص ۳۵.

۴- جزیره ای است در پایین بصره که شهر آبادان در آن واقع است .

۵- این ناحیه را امروز بهمن شیر گویند و نزدیک آبادان است .

۶- البدء و التاريخ، طبع پاریس، با اهتمام کلیمان هوار، ۱۹۰۷، جلد ۴، ص ۵۸.

ابوریحان محمد بن الحمد البیرونی الخوارزمی گذشته در ۴۴۰ هجری در کتاب «التفهیم لاوائل صناعه التنجیم» که آن را به فارسی تالیف کرده، نام این خلیج را دریای پارس و خلیج پارس هر دو آورده است^۱، و در کتاب دیگر خود «تحدیدنهایات الاماکن» «بحر فار علی جنوب شیراز^۲» ذکر کرده است.

. و نیز ابوریحان در کتاب دیگر خود معروف به القانون المسعودی می نویسد: «عبادان فم الخشبای فی مصب دجله وانبساطها فی بحر فارس^۳» یعنی: آبادان دهانه خشبات در مصب دجله است گسترش آن در دریای پارس می باشد.

ابوالقاسم محمد بن حوقل صاحب کتاب «صورة الارض» که آن را به سال ۳۶۷ ه به پایان رسانیده راجع به خلیج فارس عبارت اصطخری را با مختصر تغییری در کتاب خود آورده و مانند وی آن دریا را «بحر فارس» نامیده است^۴.

همچنین در صفحه ۲۴۴ (فصل فارس) این کتاب در چگونگی تسمیه دریای فارس و خلیج فارس دقت بیشتری به خرج می دهد و با صراحت تمام می گوید: به طور مکرر گفتم که دریای پارس، خلیجی از بحر محیط (اقیانوس کناری) در حد چین و شهر واقع است و این دریا از حدود بلاد سند و کرمان تا فارس ادامه دارد و از میان سایر ممالک به نام فارس نامیده شده است، زیرا فارس از همه کشورها آبادتر است و پادشاهان آنجا در روزگاران قدیم سلطه بیشتری داشتند و هم اکنون نیز بر همه کرانه های دور و نزدیک این دریا تسلط دارند و ما در همه بلاد دیگر، کشتی هایی را که در دریای فارس حرکت می کنند و از حدود مملکت خود خارج می شوند و با جلال و مصونیت بر می گردند، نمی شناسیم، مگر آنکه از فارس است.^۵

۷- التفهیم لاوائل التنجیم، طبع تهران، سال ۱۳۱۸ شمسی، با اهتمام استاد جلال همایی، ص ۱۶۷.

۸- تجدد نهایات الاماکن تصحیح مسافات المساکن، طبع آنکارا، ۱۹۶۲.

۹- قانون مسعودی، طبع حیدر آباد دکن، ۱۹۵۵ م، جلد ۲، ص ۵۵۸.

۱- صورة الارض، طبع لیدن، ۱۹۳۸، باهتمام کرامو، ج ۱، ص ۴۲.

۲- مجتهدزاده، پیروز، روزنامه همشهری، خلیج فارس در منابع منتسب به علمای عرب اسناد محکم و مستدل، برگرفته از کتاب نام خلیج فارس در از نای تاریخ، شماره ۳۴۸۳، آذر ۸۳، ص ۱۹.

در کتاب « حدود العالم من المشرق الى المغرب » که قدیم ترین جغرافیا به زبان فارسی است و در ۳۷۲ هجری تالیف یافته نام این دریا خلیج پارس آمده و چنین نوشته شده است: « خلیج پارس از حد پارس برگیرد با پهنای اندک تا بحدود سند^۱ »

شمس الدین ابوعبدالله محمد بن احمد بن ابوبکر بنای شامی مقدسی معروف به بشاری در کتاب « احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم » که آن را در سال ۳۷۵ هـ به پایان رسانیده، این دریا را مانند دیگران « بحر فارس » خوانده است.^۲ المقدسی که معروف به بشاری نیز هست در صفحه ۱۸ کتاب « احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم » چاپ لیدن، ۱۹۰۶، شرحی مفصل در مورد علت وجه تسمیه خلیج فارس و ترکیب آن آورده و آن را مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد و می‌گوید:^۳

« اگر گفته شود برای چه دریاهای عجم را هفتگانه دانسته‌ای (منظور از دریاهای هفتگانه فارس عبارت است از: خلیج فارس، دریای قلمز، دریای یمن، دریای حبشه، دریای زنگ، دریای هند و دریای چین که در آثار مختلف از آنها نام برده می‌شود) بعد از آنکه چنین گفتی، خداوند خطاب به آنها فرموده به آنچه را که خود می‌شناسند آن را (اشاره به آیه بیستم از سوره مبارکه الرحمن قرآن مجید) که گوید: خداوند دو دریا را روانه کرد (در متن قبل ابن الفقیه و احمد النویری آن دو دریا را به دریای فارس و دریای روم معرفی کردند) جواب آن از دو جهت است، یکی اینکه اعراب که به فارس سفر می‌کرده‌اند، نمی‌دیدند مگر آنچه را عمر بن خطاب گفته است: همانا من دادگری را از کسری آموخته‌ام (منظور انوشیروان عادل است) و یاد می‌کند از شکوه او و نیکی اخلاقش. دیگر اینکه اگر کسی به هگر و آبادان بخواهد برود، ناچار است از دریای فارس و کرمان و تیزمکران بگذرد و آیا

۳- حدود العالم، از روی نسخه عکسی تومانسکی، طبع لنینگراد، باهتتام بار تولد و طبع تهران، باهتتام سید جلال الدین تهرانی، ۱۳۱۲ شمسی، ص ۸.

۴- احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، طبع لیدن، ۱۹۰۶، باهتتام استاد وی خویه، ص ۱۷.

۵- مجتهد زاده پیروز، روزنامه همشهری، خلیج فارس در منابع منتسب به علمای عرب، اسناد محکم و مستدل، برگرفته از کتاب نام خلیج فارس در ازنای تاریخ، شماره ۸۳۳۴، آذر ۸۳، صفحه ۱۹.

نمی‌بینید که بیشتر کشتی‌سازان و کشتیرانان آن ایرانی هستند و آن دریا از عمان تا آبادان است با عرض کم و مسافر در آن ناپدید نمی‌شود.

محمد بن نجیب بکیران در کتاب جهان نامه که نسخه آن در روسیه چاپ شده و از تالیفات فارسی همان قرن است، می‌نویسد: « بحر کرمان پیوسته است به بحر مکران و جزیره کیش که مروارید از آن جای آوردند در این دریاست و چون از بحر کرمان بگذری، بحر پارس باشد و طول این دریا از حدود عمان تا نزدیکی سرانندیب بکشد و بر جانب جنوب او جمله زنگبار است. و این بحر و بحر عمان هر دو یک است به سبب آنکه ولایت پارس بر جانب شمال اوست و ولایت عمان بر جانب مغرب او^۱»

ابن البلخی در کتاب فارسنامه که آن را در حدود پانصد هجری به فارسی تالیف کرده می‌نویسد: « بحر فارس این دریای پارس طیلسانی است از دریای بزرگ که آن را بحر احضر خوانند و نیز بحر محیط و هر طیلسانی که از این دریا در زمین ولایتی است، آن را بدان ولایت باز خوانند، چون دریای پارس و دریای عمان و مانند این و عمان و از این جهت این طیلسان را دریای پارس می‌گویند^۲»

شرف الزمان طاهر مروزی در کتاب « طبایع الحیوان » که آن را در حدود ۵۱۴ هـ به پایان رسانیده، این دریا را « خلیج الفارسی » نوشته است^۳.

ابو عبدالله محمد بن محمد بن عبدالله بن ادريس معروف به الشریف الادریسی از اعراب جزیره سیسیل در گذشته به سال ۵۶۰ هجری در کتاب نزله المشتاق بی اختراق الفاق می‌نویسد: « و یتشعب من هذا البحر الصینی الاخضر و هو بحر فارس و الابله و ممره من الجنوب الی الشمال مغرباً «قلیلاً» فیمر

۱- جهان نامه، چاپ عکسی، طبع مسکو، ۱۹۶۰، باهتمام بر چسفتگی، ص ۱۹.

۲- فارسنامه ابن البلخی، طبع تهران ۱۳۱۳ شمسی، باهتمام سید جلال الدین تهرانی از روی نسخه طبع کمبریج، ص ۱۲۴.

۱- ابواب فی العین و الترمک منتخبه من کتاب طبایع الحیوان، طبع لندن، ۱۹۴۲م، باهتمام مینویگی، ص ۱۶.

بغربی بلادالسند و مکران و کرمان و فارس الی ان ینتهی الی الابله حیث عبادان و هناک ینتهی آخره^۱ یعنی : از این دریای چین ، خلیج سبز که دریای پارس و ابله است ، منشعب می گردد . گذرگاه آن از جنوب تا اندکی به شمال غربی است چنان که از مغرب بلاد سند و مکران و کرمان و پارس بگذرد تا به ابله جایی که آبادان است ، منتهی گردد و آنجا پایان آن دریاست .

شهاب الدین ابو عبدالله یاقوت بن عبدالله حموی رومی درگذشته در ۶۲۶ هـ - در دائره المعارف جغرافیائی خود معروف به « معجم البلدان » می نویسد : « بحر فارس هو شعبه من بهر الهند الاعظم و اسمها بالفارسیه كما ذكره حمزه « زراه کامسیر » و حده من التیز من نواحی مکران علی سواحل بهر فارس الی عبادان و هو فوه دجله التي تصب فيه و تمتد سواحلها نحو الجنوب الی قطر و عمان و الشحر و مرباط الی حضرموت الی عدن و علی سواحل بحر فارس من جهة عبادان من مشهورات المدن مهروبان قال حمزه و ههنا یسمى هذا البحر بالفارسیه « زراه افرنگ » قال و هو خلیج متخلج من بحر فارس متوجها من جهة الجنوب صعدا لی جهة الشمال حتی یتجاوز جانب الابله^۲ . یعنی : دریای پارس شعبه ای از دریای بزرگ هند است و چنانچه حمزه اصفهانی گفته ، نام آن به پارسی « زراه کامسیر » است و حد آن از تیز از نواحی مکران بر ساحل پارس تا آبادان است و آن دهانه دجله است و آن رود بدانجا ریزد . سواحل این دریا از جنوب تا به قطر^۳ و عمان و شحر^۴ و مرباط^۵ و حضرموت و عدن امتداد دارد . بر سواحل دریای پارس از سوی آبادان از شهرهای مشهور مهروبان است . حمزه گوید که در اینجا این دریا به پارسی « زراه فرنگ » نام دارد و آن خلیجی از دریای پارس است که از جنوب بشمال بالا رود تا از کنار ابله بگذرد .

۲- نزهه المشتاق ، طبع رم ، ۱۸۷۸ م . ص ۹ .

۳- معجم البلدان ، طبع قاهره ، ۱۹۰۶ م ، ج ۲ ، ص ۶۸

۴- مراد شبه جزیره قطر است که بر ساحل شرقی جزیره العرب واقع و پایتخت آن دوحه است . نگاه کنید به جغرافی شبه جزیره العرب تألیف عمر رضا کحاله ، ص ۴۴۸

۱- شهری است بر ساحل دریای هند و آن مرکز ولایت مهر در جنوب شرقی جزیره العرب است ، نگاه کنید به جغرافی شبه جزیره العرب ، ص ۴۳۱ .

۲- شهری است بین عمان و حضر موت و در قدیم بندرگاه ظفار ، بوده و اکنون متروک و خراب است .

ابوعبدالله زکریابن محمد بن محمود قزوینی د رگذشته د ۶۸۲ هـ - در کتاب آثار البلاد و اخبار العباد می نویسد: « فارس الناحیه المشهوره التي یحیط بها من شرقها کرمان و من غربها خوزستان و من شمالها مغازه خراسان و من جنوبها البحر سمیت بفارس^۱ » یعنی: پارس ناحیه مشهوری است از شرق به کرمان و از غرب به خوزستان و از شمال به بیابان خراسان و از جنوب به دریا که دریا ی پارس نامیده می شود محدود است که به نام فارس بن اسورابن سام بن نوح، علیه السلام نامیده می شود ... و در تاریخ آمده است که همانا ایرانیان ۴ هزار سال بر امور عالم پادشاهی کردند. اول آنها کیومرث بود و آخرشان یزدگرد فرزند شهریار که در محاربه عمر بن خطاب در مرو به قتل رسید، آنان سرزمین ما را آبادان کردند و بندگان را بهره مند ساختند.^۲

و نیز در عجائب المخلوقات و غرائب الموجودات می نویسد: « و یخرج من بحر الهند خلیجان عظیمان احد هما بحر فارس و الاخر بحر القلزم^۳ » یعنی: « از دریای هند دو خلیج بزرگ بیرون آید که یکی دریا ی پارس و دیگری دریای قلزم است » و نیز نوشته است: « بحر فارس شعبه من بحر الهند الاعظم شعبها و هن بحر مبارک کثیر الخیر^۴ ». یعنی: دریای پارس شعبه ای از دریای بزرگ هند است و از بزرگترین شعب آنست و دریایی پربرکت و سود آور است .

ابوالفداء الملک الموید عمادالدین اسماعیل بن علی امیر حماه در گذشته در ۷۳۲ هـ در کتاب « تقویم البلدان » می نویسد: « بحر فارس و هو بحر ینشعب من بحر الهند شمالا بین مکران و هی علی فم بحر فارس من شرقیه و قصبه مکران و تیز ثم یمتد البحر علی ساحل عمان و یمر شمالا حتی یبلغ عبادان ثم یمتد من عبادان الی مهروبان ثم یمر الی سینیز ثم یمتد جنوبا الی جنابه ثم یمتد الی البحر و هو ساحل بلاد فارس ثم یمتد مشرقاً حتی یصل هرمز ثم یمتد جنوباً و مشرقاً الی ساحل مکران^۵ »

۳- آثار البلاد قزوینی، طبع گوتینگن، ۱۸۴۸، باهتمام ووستلفد، ص ۱۰۴.

۴- مجتهدزاده، پیروز، روزنامه همشهری، خلیج فارس منتسب به علمای عرب ...

۵- عجائب المخلوقات، طبع لاینزیک، ۱۸۴۸، با اهتمام ووستلفد، ص ۱۰۴.

۶- ایضاً عجائب المخلوقات، ص ۱۱۴.

۱- تقویم البلدان، طبع پاریس، ۱۸۴۰، ص ۲۳.

یعنی: دریای پارس که از سوی شمال منشعب از دریای هند است بین عمان و مکران است و مکران بندر آن تیز^۱ است و بر دهانه دریا ی پارس واقع است. سپس دریا بر ساحل عمان امتداد یافته و به شمال بگذرد تا به آبادان برسد و از آبادان به مهروبان و سپس به سینیا^۲ امتداد یابد. پس از سوی جنوب به گناوه و ساحل دریا که کرانه بلاد پارس است، کشیده شود. سپس به سوی مشرق امتداد یافته، به هرمز برسد و از جنوب و مشرق به کرمان پیوندد.

شمس الدین ابو عبدالله محمد بن ابی طالب الانصاری الدمشقی الصوفی در گذشته در ۷۲۷ هـ در کتاب «نخبه الدهر هرفی عجائب البرو البحر» نام این دریا را مکرر «بحر فارس» یا «بحر الفارسی» یا «خلیج فارس» آورده است.^۳

شهاب الدین احمد بن عبدالوهاب بن محمد النوری در گذشته در ۷۳۳ هـ در کتاب «نهایه الرب فی فنون العرب» می نویسد: «اما خلیج فارس فانه مثلث الشكل علی هیئه القلع احد اضلاعه من تیز مکران فیمر بلاد کرمان علی هرمز من بلاد فارس علی سیراف و مهروبان و منها یفضی البحرالی عبادان ینعطف الضلع الاخر فیمر بالخط و هو ساحل بلاد عمان و الضلع الاخر یمتد علی سطح البحر من تیز مکران الی رأس الخیمه^۴» یعنی: «اما خلیج فارس مثلث شکل است به صورت بادبان کشتی که یکی از ضلعهای آن از جانب تیز مکران و بلاد کرمان بر هرمز و بلاد پارس و سیراف و مهروبان بگذرد و از آنجا دریا به آبادان منتهی شود و از آبادان برگشته به الخط^۵ که ساحل عمان است بگذرد و ضلع دیگر بر سطح دریا از تیز مکران تا رأس الخیمه امتداد یابد^۶»

حمدالله بن ابی بکر مستوفی قزوینی متوفی در ۷۴۰ هـ در کتاب نزهه القلوب که آن را به پارسی نگاشته، این خلیج را «بحر فارس» یاد کرده و می نویسد: «جزایری که از حد سند تا عمان در بحر

۲- تیز شهری است بر ساحل مکران (یاقوت جلد دوم)، این محل اکنون طیس نام دارد و در شمال بندر چابهار است.

۳- سینیز: شهری بر ساحل فارس در نزدیکی بندر گناوه

۴- نخبه الدهر، طبع لایبزیک، ۱۹۲۳ م.

۵- نهایه الارب، طبع دارکتب قاهره، ۱۹۳۳، ج ۱، ص ۲۴۴.

۶- به معنی ساحل قطیف و عقیر و قطر است و آن جزء بحرین قدیم که بین بصره و عمان قرار داشته بوده است.

۷- این ناحیه امروز جزء هفت شیخ نشین هم پیمان در خلیج فارس است.

فارس است ، از حساب ملک فارس شمرده اند و بزرگترین آن به کثرت مردم و نعمت ، جزایر قیش (کیش) و بحرین است.^۱»

ابوحفص زین الدین عمر بن مظفر معروف به ابن الوردی در گذشته در ۷۴۹ هـ در کتاب « خریده العجایب و فریده الغرایب » می نویسد : « فصل فی بحر فارس و ما فیہ من الجزایر و العجائب و یسمى البحر الاخضر و هو شعبه من بحر الهند الاعظم و هو مبارک کثیر الخیر دائم السلامه و طیء الظهر قلیل الهیجان بالنسبه ال غیره^۲ » یعنی : فصل در پیرامون دریای پارس و جزیره ها و شگفتیهای آن ، و دریای سبز خوانده می شود و آن شعبه ای از دریای بزرگ هند است ، و آن دریای پربرکت و سود آور و دائماً بی خطر و آرام است و بانسبه به دیگر دریاها کم هیجان می باشد .

شرف الدین ابو عبدالله محمد بن عبدالله طنجی معروف به ابن بطوطه در گذشته در ۷۷۷ هـ در رحله خود کتاب « تحفه النظاره فی غرائب المصار و عجایب السفار » می نویسد : « ثم ركبنا فی الخلیج الخارج من بحر فارس فصبحنا عبادان^۳ .» پس در خلیج بیرون از دریای پارس بر کشتی نشستیم و به آبادان درآمدیم .

احمد بن علی بن احمد القلقشندی در گذشته در ۸۲۱ هـ در کتاب « صبح الاعشی فی کتابه الانشاء » می نویسد : « فاما بحر فارس فهو ينبعث من بحر الهند منعطف آخره علی ساحل بلاد کرمان من شمالیها حتی یعود الی اصل بحر فارس فیمتد شمالا حتی یتهی الی مدینه هرموز^۴ .» یعنی : اما دریای پارس منشعب از دریای هند است و پایان آن از سوی شمال به ساحل کرمان منعطف شده تا به اصل دریای پارس برمی گردد و همچنان به شمال امتداد می یابد تا اینکه به شهر هرمز منتهی می شود .

۱- نزهة القلوب حمداله مستوفی ، باهتمام آقای محمد دبیر سیاقی ، طبع تهران ، ۱۳۳۶ ش ، ص ۱۶۴

۲- خرید العجائب ، طبع قاهره ، ۱۳۰۳ هـ ، ج ۱ ، ص ۹۱ .

۳- رحله ابن بطوطه ، طبع مصر ، ۱۳۲۲ هـ ، ج ۲ ، ص ۱۳۹ .

۴- صبح الاعشی ، طبع دار الکتب در قاهره ، ۱۴ جلد از سال ۱۹۱۳ تا ۱۹۲۰ ، ص ۲۴۱ .

مصطفی بن عبدالله کاتب چلبی قسطنطنینی مشهور به حاجی حلیفه درگذشته در ۱۰۶۷ هـ صاحب کتاب معروف «کشف الظنون» در کتاب دیگر خود «جهان نما» در جغرافیای عالم که آن را به ترکی نوشته چنین می نویسد:

"bahre Fars- buna sinus Persique dirlar FarsKorfuzi belade Farsi olmaqla ona Nesbat , va mara persiquum daxi dilar ."

یعنی: دریای پارس . به این دریا سینوس پرسیقوس می گویند . به معنی خلیج فارس به مناسبت اینکه در مشرق آن فارس واقع است بدان نسبت داده می شود . و آن را ماره پرسیقوم (دریای پارس) نیز می گویند^۱.

شمس الدین محمد سامی در قاموس الاعلام و قاموس ترکی^۲، خلیج فارس یا بحر فارس را به خلیج بصره معنی کرده است البته مقصود از خلیج بصره قسمت کوچکی از دریای پارس است که مجاور شهر بصره است؛ چنان که به خلیج فارس به مناسبت بندر بوشهر گاهی دریای بوشهر هم گفته اند . در دایره المعارف البستانی جلد هفتم طبع ۱۸۸۳ در ماده خلیج ، الخلیج العجمی و الخلیج العربی آمده که از اولی خلیج فارس و از دومی بحر احمر اراده شده است^۳.

دانشمند شهیر عرب ، جرجی زیدان در صفحه ۴۳ جلد دوم از کتاب پرارزش «تاریخ التمدن الاسلامی» ضمن بیان ابعادی که بحر فارس در نظر جغرافیا نویسان قدیم داشت. استفاده از آن ترکیب را به قرون سوم ، چهارم ، پنجم و ششم هجری منتسب دانسته و تعبیر امروزی نام دریایی جنوب ایران را خلیج فارس می داند.

جرجی زیدان می گوید : دریای فارس - نزد آنان (متقدمین) همه دریاهایی که سرزمین های عرب از مصب آب دجله گرفته تا ایله را احاطه می کند ، به عنوان دریای فارس تعبیر می شد و از آن جمله

۱- جهان نمای کاتب چلبی ، طبع استانبول ، ۱۴۵ هـ ، ص ۷۸.

۲- شمس الدین محمد سامی ، قاموس الاعلام ، طبع استانبول ، ۱۳۰۶ هـ و شمس الدین محمد سامی : قاموس ترکی ، طبع استانبول ، ۱۳۱۷ هـ.

۳- دائرة المعارف البستانی ، طبع بیروت ، ۱۸۸۳ م . ج ۷ ، ص ۴۵۷.

است آنچه را که ما امروز از آن به خلیج فارس و دریای عرب و خلیج عدن و دریای سرخ و خلیج عقبه تعبیر می‌کنیم.^۱

دائرة المعارف معروف دنیای عرب یعنی «المنجد» که به عنوان سندی محکم قابل استفاده است، در تسمیه دریای جنوب ایران از ترکیب خلیج فارس استفاده می‌کند. به عنوان مثال در صفحه ۶۶ قسمت (الادب و العلوم) این کتاب (چاپ نوزدهم - بیروت ۱۹۶۶) درباره بحرین آمده است: بحرین مجموعه جزایری است واقع در نزدیکی سواحل غربی خلیج فارس (۱۱۵/۰۰۰) و بزرگترین آن جزیره (منامه) نام دارد ... الخ.^۲

گذشته از تالیفات، در ترجمه‌های قرن حاضر نیز استفاده از ترکیب مذکور مرسوم است و ما در اینجا به عنوان نمونه از دو نقشه که در سال‌های اخیر به عربی ترجمه و منتشر شده است، یاد می‌کنیم. در ترجمه شماره اول کتاب تاریخ تمدن ویل دورانت به عربی توسط دکتر زکی نجیب محمود، چاپ قاهره، ۱۹۶۵، ترکیب خلیج فارس به کار رفته است. همچنین در ترجمه کتاب «المسوعه العربیه المیسره» نوشته دانشمند شهیر صبحی عبدالکریم، ترجمه به عربی، محمد شفیق غربال، چاپ قاهره ۱۹۶۵، ترکیب خلیج فارس مورد استفاده قرار گرفته است.^۳ محمد عبدالکریم صبحی نیز در کتاب پرارزش «دانش کارتوگرافی (علم الخرائط) در نقشه‌هایی که با ترجمه عربی نقل کرده است، دریای جنوب ایران را اغلب (الخلیج الفارس) نام نهاده است، جز در چند مورد که ترکیب بحر فارس را به کار گرفته است. همچنین دکتر انیس فریجه در ترجمه کتاب «تاریخ اعراب» نوشته دکتر فیلیپ حتی نیز ترکیب خلیج فارس را به کار گرفته است.^۴ همینطور در نقشه‌ای که از کتاب جغرافیایی تاریخی پرارزش «کی لسترانج» (بلدان الخلافة اشرفیه) ترجمه شده به عربی از بیشتر فرنیسیس و کورکیس

۴- مجتهد زاده، پیروز، سخنرانی در همایش انجمن علمی جغرافیایی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری، تحت عنوان تحول در مفهوم ژئوپلیتیک در قرن ۲۱ با تأکید بر تحولات خاورمیانه، مورخ ۲۹ آذر ۱۳۸۳.

۱- مجتهد زاده، پیروز، روزنامه همشهری، خلیج فارس در منابع منتسب به علمای عرب، اسناد محکم و مستدل، برگرفته از کتاب خلیج فارس درازنای تاریخ، شماره ۳۴۸۳، آذر ۸۳ ص ۱۹.

۲- همان منبع.

۳- همان منبع.

عواد ، چاپ بغداد ۱۹۵۴. از همین ترکیب استفاده شده است. دو نقشه بسیار معتبر از کشورهای کویت و عراق نیز در دست است که دریای جنوب ایران و جنوب شرقی عراق را در سال‌های اخیر ، خلیج فارس نامگذاری کرده است و این دو نقشه در عین حال نشان دهنده آن است که ترکیب بحر فارس از سال‌های میانه نیمه دوم قرن بیستم به کلی فراموش شده است. اول نقشه‌ای است از دایره‌المعارف مشهور و بسیار معتبر و پرارزش «المنجد» چاپ نوزدهم بیروت ۱۹۶۶. دوم نقشه‌ای است از دایره‌المعارف اقتصادی لبنانی به نام (الدلیل التجاری للشرق الاوسط) ۱۹۷۱ - ۱۹۷۲ (تجاره - صناعه زراعه ۱۹۶۹ الی ۱۹۷۱) الناشره ایفیت شکری کرم صاحب. نوشته‌های این جغرافیدانان و مورخان منابع فنی دانش بشری را تشکیل می‌دهند و همه آنها را آثارشان به «نام خلیج فارس» اشاره داشته‌اند که مبین آن است که این نام هرگز بی‌دلیل و بدون مبنا مورد استفاده واقع نشده است.

از دیر باز تاکنون موقعیت جغرافیایی ایران نقش به‌سزایی در تعیین این نام داشته است . اطلس‌های تاریخی و به‌عنوان نمونه اطلس تاریخی کالین مک ایوودی **Colin EvEDI** این را به خوبی ابراز کرده و نشان داده‌اند .نویسنده این کتاب در این اطلس به صراحت ذکر کرده است. که در قرن ششم میلادی دو جاده تجاری از خارج وارد منطقه اروپا می‌شد . اول جاده ابریشم ،که از چین شروع و از طریق آسیای مرکزی و ایران به امپراتوری روم شرقی می‌رسید . دوم جاده ادویه که از هند آغاز و پس از اقیانوس هند و خلیج فارس ،دربین النهرین به جاده ابریشم می‌پیوست.

نویسنده این اطلس در ادامه می‌افزاید : سیاست‌های اقتصادی امپراطور روم شرقی ژوستی نین ،هر چند هوشمندانه بود اما بی‌حاصل بود ؛ زیرا او با مشاهده‌ی مواضع قدرتی که ایرانیان در جاده‌های ابریشم و ادویه در اختیار داشتند تلاش کرد این جاده‌ها را به ترتیب بیشتر به شمال و جنوب منحرف کند اما در تلاش خود شکست خورد . بنابراین پارس‌ها (ایرانی‌ها) درمیان دو شاهراه تجاری حیاتی جهان قرار داشتند (هم چنان که امروزه درمیان دو شاهراه انرژی جهان یعنی دریای مازندران و خلیج فارس قرار دارند)و مواضع قدرت آنها در این شاهراه‌های حیاتی (ابریشم و ادویه)

برای ملل تمدن آن روزگار امری آشکار بود و این امر نام آنها را در پهنه خلیج فارس جاودانه ساخت . آیا اکنون پس از هزاران سال ، حب و بغض های قومی نژادی و یا طمع ورزی های خودخواهانه باید تا آن جا پیش رود که این واقعیت های تاریخی و حقایق امروز که ناشی از موقعیت جغرافیایی خاص ایران در کرانه این خلیج است ، به فراموشی سپرده شود .

در تأیید موارد قبل اقتصاد نیز از عوامل موثر در نامگذاری سواحل جنوبی ایران به نام خلیج فارس بوده است . زیرا از همان زمان استقرار پارس ها در جنوب ایران ، آب های کرانه های جنوبی ایران که میدان تجارت برای مطالعات بازرگانی و میدان نبرد به هنگام مقابله با بیگانگان بود ، نام دریای پارس و خلیج فارس را بر خود داشت . زیرا تنها واحد سیاسی مستقل در حاشیه ی خلیج فارس در آن روزگار و حتی تا کمتر از ۴۰ سال پیش ، تنها کشور پارس بود و بس . آیا عقل سلیم می پذیرد هنگامی که فقط یک واحد سیاسی به امر تجارت و حاکمیت در این خلیج می پردازد ، نام اقوام چادرنشین و کوچ نشین روی بی اهمیتی که در حد نیازهای قبیلگی خود از کرانه این خلیج استفاده می کردند ، بر این خلیج گذاشته شود ؟ اقوامی که حتی پس از گذشت هزاران سال جمعیت کلی آنها اعم از بومیان و مهاجران ، کمتر از جمعیت ایران است . **National Geography** . از این حقیقت برگ غافل است که تاریخ ، خبر دادن از اجتماع انسانی ، یعنی اجتماع جهان و کیفیتی است که بر طبیعت این اجتماع عارض می شود . جغرافیا به رابطه ی انسان با مکان و چگونگی و مقیاس آن رابطه می پردازد آیا تهیه کنندگان این اطلس نباید به اطلس های معتبر تاریخی رجوع می کردند تا این حقایق را درک نمایند .

اسامی جغرافیایی بر اساس زمینه های فرهنگی و تاریخی و در طول زمان شکل می گیرند و تثبیت می شوند . در واقع اسامی جغرافیایی بر اساس ملاحظات سیاسی و نژادی به وجود نمی آیند که به واسطه این ملاحظات تغییر کنند . بر این اساس اقدام نشنال جئوگرافیک مطابق با رویه های همیشگی نامگذاری جغرافیایی نیست . از سوی دیگر در هیچ یک از نشست های سالانه « کمسیون سازمان ملل

برای وحدت در اسامی جغرافیایی « به رغم تلاش های مستمر کشورهای عربی ، نام خلیج فارس دستخوش هیچ تغییری نشده است . بنابراین گردانندگان نشنال جئوگرافیک باید توضیح دهند با استناد به چه منابعی ، برخلاف اعلام رسمی کمیسیون سازمان ملل عمل کرده اند . مرجع رسمی اعلام اسامی جغرافیایی ، سازمان ملل است . طبق اسناد این سازمان ، نام پهناب جنوب فلات ایران رسماً خلیج فارس است و استفاده از هر عنوانی به جز این ، رسمیت نداشته و به گونه ای نقص یکی از معاهدات بین المللی است که کشورها را مکلف می کند در نقشه ها ، اسناد ، مکتوبات ، مکاتبات بین المللی صرفاً از اسامی مورد تایید سازمان ملل استفاده کنند^۱ .

خلیج فارس یک پهنه آبی است که در تمامی اسناد بین المللی به همین نام خوانده شده است . خط مبدأ دریایی سرزمین ایران در خلیج فارس و قلمروهای دریایی آن توسط سومین کنفرانس حقوق دریاها طی اسناد بین المللی به تمامی دولت ها ابلاغ شد با نام خلیج فارس است^۲ . همچنین تمامی مرزهای تعیین شده در دو طرف خلیج فارس توسط دولت ها در اسناد مربوطه با نام خلیج فارس است . پهنه های دریایی دولت های واقع در جنوب خلیج فارس که به کنفرانس سوم حقوق دریاها ابلاغ شده و از آن کنوانسیون به تمامی دولت ها ارسال شده با نام پهنه های دریایی خلیج فارس است . بنابراین نام خلیج فارس نه می تواند توسط ما به «خلیج ایرانی» تغییر یابد و نه توسط دیگران به «خلیج عربی» و یا هر نام دیگر . تغییر و تخریب نام خلیج فارس همانند تخریب بناهای تاریخی خلاف حقوق تاریخی بشر و مغایر با اهداف و اصول یونسکو و سازمان ملل متحد و مغایر با قطعنامه های کنفرانس بین المللی یکسان سازی اسامی جغرافیایی است . مؤسسه نشنال جئوگرافیک با تخریب نام خلیج فارس ، و هم به اهداف و اصول سازمان جهانی یونسکو بی اعتنایی کرده و هم علیرغم ماهیت جغرافیایی این مؤسسه ، مفاد قطعنامه کنفرانس بین المللی یکسان سازی جغرافیایی را که برای

۱- کریمی ، ناصر ، دلخوشی بازماندگان جنگ ۱۹۶۷ ، روزنامه همشهری ، شماره ۳۵۶۳ ، آذر ۸۳

۲- جوابیه اساتید جغرافیدان دانشگاه تهران به مؤسسه نشنال جغرافیک ، آذر ۸۳ ، ایسنا .

سهولت ارتباطات انسان ها در قرن بیست و یکم ضروری است زیرا با گذاشته و هم احترام به حقوق تاریخی بشر را مخدوش کرده است .

باید یاد آور شد در دنیای عرب هستند کسانی که بر لزوم حفظ و خویت تاریخی خلیج فارس تاکید می کنند و از سیاست فارسی زدایی خلیج فارس پیروی نمی کنند . برای مثال روزنامه کویتی الانباء در مقاله ای با عنوان « هویت آب » نوشت : خلیج فارس نام دریایی است که ما را از ایران جدا می کند، ولی بنا به اهداف سیاسی که به اصطلاح قوم گرایان عرب یکه تاز آن بودند ، نام خلیج فارس به خلیج عربی تبدیل شده است ، بدون آنکه حرمت تاریخ و عاقبت احترام لازم به این امر گذارده شود . آیا زمان آن فرا نرسیده است که امور رابه جایگاه صحیح آن باز گردانیم و به خلیج ، هویت فارسی اش را ادعا کنیم که چنین تصحیحی نه تنها هویت کشورهای مشرف به خلیج فارس را تغییر نمی دهد، بلکه قطعاً عقلانیت ازدست رفته رابه ما باز می گرداند^۱ .

از طرف دیگر به علت اینکه این تغییر با هیچ یک از معیارهای علمی ،همخوانی ندارد شماری از محافل علمی و دانشگاهی جهان عرب نیز هیچگونه همراهی این موج سازی از خود نشان نداد و حتی در این موارد ،توصیه های مبتنی بر پیشینه های علمی داشته اند .

۱- هفته نامه صبح صادق ، دوشنبه مهر ماه ۱۳۸۲ ، شماره ۱۲۲ ،

نتیجه گیری:

با مطالعه تاریخچه نامگذاری نام خلیج فارس در سال های بعد از میلاد و با توجه به اسناد نقشه ها و نوشته های جغرافیدانان عرب و غیر عرب مسلمان متوجه می شویم که نام خلیج فارس در همه آنها به همین نام آمده است که علاوه بر پیوند با نمادهای فرهنگی یک ارتباط تاریخی با منطقه پیدا کرده است که هیچ فرد یا نهادی، دیگر نمی تواند در تغییرات تاثیر گذار باشد. به همین علت توصیه می گردد تا نهادهای مرتبط با جغرافیا با استفاده از پژوهشگران مسائل سیاسی - جغرافیایی - با مستدل ترین اسناد فعالیت خود را جهت آگاه سازی جهانیان بیشتر کرده تا علاوه بر تقویت اتحاد بین مسلمانان، برابر تهدیدات خارجیان، با زبان علم بایستند.

منابع و مأخذ

الف- منابع فارسی

۱- بیانیه جغرافیدانان دانشگاه تهران در مورد تحرکات مؤسسه جئوگرافیک در آذر ۱۳۸۳، خبرگزاری دانشجویان ایران، ایسنا.

۲- کرمی، ناصر، این خلیج ماست، روزنامه همشهری، شماره ۳۵۶۳، آذر ۱۳۸۳.

۳- مجتهدزاده، پیروز، روزنامه همشهری، خلیج فارس منتسب به علمای عرب، اسناد محکم و استدلال، برگرفته از کتاب نام خلیج فارس در ازنای تاریخ، شماره ۳۴۸۳، آذر ۱۳۸۳.

۴- مجتهدزاده، پیروز، سخنرانی در همایش انجمن جغرافیا دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری، مورخ آذر ۱۳۸۳، تحت عنوان: تحول در مفهوم ژئوپلیتیک در قرن ۲۱ با تاکید بر تحولات خاور میانه، آذر ۱۳۸۳

۵- مجتهدزاده، پیروز، نام خلیج فارس در ازنای تاریخ، مرکز مطالعات و تحقیقات دفاعی نیروی دریایی، تهران، ۱۳۸۳.

۶- هفته نامه صبح صادق، دوشنبه ۲۱ مهرماه ۱۳۸۲، شماره ۱۲۲.

ب) منابع عربی با استفاده از مطالب ترجمه شده

۱- مختصر کتاب البلدان، باهتمام دی خویه، طبع لیدن، سال ۱۸۸۵ م.

۲- الاعلاق النفیسه، جلد ۷، باهتمام دی خویه، طبع لیدن، ۱۸۹۱ م.

۳- عجائب الاقالیم السببه الی نهایه الهاره، طبع وین، ۱۹۲۹ م.

۴- المسالک و الممالک، طبع لیدن، باهتمام استاد دی خویه، ۱۸۸۹ م.

۵- عجایب الهند باهتمام واندرلی و ماسل ریوسیسی، طبع لیدن، ۱۸۸۶ م.

۶- مروج المذهب، طبع پاریس، دمینار، جلد ۱، ۱۸۶۱ م.

۷- التنبيه و الاشراف، طبع بغداد، ۱۹۳۸ م.

۸- قانون مسعودی، طبع حیدرآباد دکن، جلد دوم، ۱۹۵۵ م.

- ۹- البدء و التاريخ ، طبع پاریس ، باهتمام کلمان هوار ، جلد چهارم ، ۱۹۰۷.
- ۱۰- التفهيم الاوائل صناعة التنجيم ، طبع تهران ، به اهتمام استاد جلال همایی ، ۱۳۱۸ ش.
- ۱۱- تحديد نهايات الاماكن التصحيح مافات المساكن ، طبع آنکارا ، ۱۹۶۲.
- ۱۲- صورة الارض ، به اهتمام کرامو ، طبع لیڈن ، جلد اول ، ۱۹۳۸ م .
- ۱۳- حدود العالم ، از روی نسخه عکس تومانسکی ، طبع لنینگراد ، باهتمام بارتولد ، طبع تهران ، باهتمام سید جلال تهرانی ، ۱۳۱۲ ش.
- ۱۴- احسن التقاسيم فی معرفة الاقاليم ، طبع لیڈن ، با اهتمام استاد دیه خویه ، ۱۹۰۶ م.
- ۱۵- جهان نامه ، چاپ عکس ، طبع مسکو ، باهتمام برشچفسکی ، ۱۹۶۰ م .
- ۱۶- فارسنامه ابن البلخی ، طبع تهران ، باهتمام سید جلال‌الدین تهرانی ، از روی نسخه طبع کمبریج ، ۱۳۱۳ ش.
- ۱۷- ابواب فی الحین و التراک متخبه من کتاب طبایع الحیوان ، با اهتمام مینو بیکی ، ۱۹۴۲ م.
- ۱۸- نزهة المشتاق ، طبع رم ، ۱۸۷۸ م.
- ۱۹- معجم البلدان ، طبع قاهره ، ۱۹۰۶ م .
- ۲۰- عجائب المخلوقات ، با اهتمام ووستنفلد ، طبع لایپزیک ، ۱۸۴۸ م.
- ۲۱- آثار البلاد قزوینی ، با اهتمام ووستنفلد ، طبع گوتینگن ، ۱۸۴۸ م.
- ۲۲- تقویم البدان ، طبع پاریس ، ۱۸۴۰ م.
- ۲۳- نخبه الدهر ، طبع لایپزیک ، ۱۹۲۳ م.
- ۲۴- نهاية العرب ، طبع دارکتب قاهره ، جلد اول ، ۱۹۳۳ م.
- ۲۵- نزهة القلوب ، باهتمام محمد دبیر سیاقی ، طبع تهران ، ۱۳۳۶ ش
- ۲۶- خرید العجائب ، طبع قاهره ، جلد اول ، ۱۳۰۳.
- ۲۷- رحله ابن ابن بطوطه ، طبع مصر ، جلد دوم ، ۱۳۲۲ هـ .
- ۲۸- صبح الاعشی ، طبع دارالکتب در قاهره ، ۱۴ جلد ، از سال ۱۹۱۳ تا ۱۹۲۰ م .
- ۲۹- جهان نمای کاتب چلبی ، طبع استانبول ، ۱۱۴۵ هـ .
- ۳۰- قاموس الاعلام ، طبع استانبول ، قاموس ترلی ، طبع استانبول ۱۳۰۶ و ۱۲۲۷ هـ .
- ۳۱- دائره المعارف البستانی ، طبع بیروت ، جلد هفتم ، ۱۸۸۳ م .

مشخصات و سوابق نویسندگان:

۱- محمد علی رجائی، مدرس گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری - مدرک کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، سن ۳۶ سال، مسئول برگزاری چند همایش در سطح منطقه و دانشگاه از جمله همایش نقش IT در ساختار دولت و شهر الکترونیک با همکاری سازمان نقشه برداری کشور، همایش ژئوپلیتیک خلیج فارس و همایش زلزله بم، همایش بزرگداشت پیشکسوتان جغرافیا

ارائه مقاله در دو همایش بین‌المللی: کنگره بین‌المللی نهضت نرم‌افزار و آزاد اندیشی - همایش بین‌المللی شهرهای جدید

ارائه مقاله در چند همایش ملی و منطقه‌ای مانند:

- همایش ملی ساماندهی عشایری ایران - همایش زیست‌محیطی و گردشگری ایران ما
ارائه مقاله به ده‌ها همایش سراسری اساتید و دانشجویان کشور در دانشگاه‌ها و دیگر مراکز و چند همایش باشگاه پژوهشگران جوان

چاپ چند مقاله در نشریات کشوری. مشارکت در چند طرح تحقیقاتی علمی

سوابق: مدیر مسئول و صاحب امتیاز ۲ نشریه علمی - تخصصی جغرافیایی: (بادیه)، گروه جغرافیا و (پویش) (انجمن جغرافیا) - مسئول انجمن جغرافیای واحد شهر ری

آدرس: تهران - اتوبان تهران - قم، دانشکده تحصیلات تکمیلی جغرافیا مجتمع دانشگاهی یادگار امام، دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهر ری، انجمن جغرافیا

تلفن: ۰۵۵۲۷۷۹۲۲ - ۰۲۱ - ۰۹۱۳۱۰۶۱۲۰۳

۲- دکتر اسماعیل نصیری، استاد گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری در رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، سن ۳۷ سال، ۲ سال مدیر گروه جغرافیای دانشگاه آزاد اسلامی واحد آشتیان هم‌اکنون رئیس دانشکده آموزش معلمان دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری

- شرکت در چند همایش بین‌المللی، ملی و منطقه‌ای (بین‌المللی جغرافیدانان مسلمان)

- چاپ چند مقاله در نشریات تخصصی - پژوهشی کشور

- مجری در ۲ طرح علمی - تحقیقاتی